

# جنبه‌های

## آسیب‌زایی

## مدارس

سلام‌الله قربان‌زاده

محیط‌هایی که باید تربیت صورت پذیرد، عملاً رویه‌های ضد تربیتی اعمال خواهد شد.

به طور کلی وقتی گفته می‌شود تعلیم و تربیت امری عمدی است، نوعی هدفمندی از آن استنباط می‌شود و در این فرایند باید در رفتار فراگیران تغییرات مطلوب ایجاد شود، اما متأسفانه آسیب‌های تربیتی که از جانب اولیا و مربیان با قصد تربیت و اصلاح رفتار و از روی دلسوزی و محبت به کودکان وارد می‌شود احتمالاً بیش از آسیب‌هایی است که از جانب عوامل ضد تربیتی ایجاد می‌شود.<sup>۱</sup>

«عناصر اصلی مدرسه باید از اعتدال، پویایی و کارایی برخوردار باشند و با روش‌های صحیح تربیتی و به کار گرفتن ابزار مناسب و تدوین فعالیت‌های متنوع فرهنگی، هنری، آموزشی، علمی و ادبی، اسباب تأمین بهداشت روانی دانش‌آموزان را فراهم نمایند.»<sup>۲</sup>

جو عاطفی، روانی و تربیتی مدارس باید دارای وضعیت مطلوب باشد. در ایجاد این وضع نقش اول را عوامل انسانی مدارس ایفا می‌کنند. این عوامل باید با دانش تعلیم و تربیت، شیوه‌های برخورد و روش‌های تدریس مناسب آشنا باشند، در غیر این صورت متولیان امر تربیت در داخل

«استمرار و بقای هر جامعه مستلزم آن است که مجموعهٔ باورها، ارزش‌ها، رفتارها، گرایش‌ها، دانش‌ها و مهارت‌های آن به نسل‌های جدید منتقل شود. ساز و کار و وسیلهٔ این انتقال، آموزش و پرورش است.»<sup>۱</sup> از کارکردهای مهم آموزش و پرورش می‌توان به انتقال فرهنگ، جامعه‌پذیری، تربیت حرفه‌ای، نوآوری، ایجاد وحدت اجتماعی و رشد شخصی اشاره کرد. در این میان نقش مدرسه از لحاظ روانی و پرورش ذهنی قابل ملاحظه است. اگر آموزش و پرورش مدرسه‌ای بر اثر نارسایی یا اختلال در کارکرد آن، بی‌جهت افراد را متکی به دیگران بار آورد، احساس حقارت را در آنان تلقین کند، یا اگر احیاناً در ارزش تعقل آن‌ها مبالغه کند، ممکن است در مورد رشد طبیعی و مطلوب ذهنی افراد اثرات منفی باقی گذارد.<sup>۲</sup>

با توجه به اهمیت و رسالت آموزش و پرورش باید مربیان واجد صلاحیت‌های لازم برای تصدی امر تعلیم و تربیت باشند، در غیر این صورت واگذاری این مسئولیت عظیم به افراد غیر مطلع نه تنها سودمند نخواهد بود بلکه خود زمینه را برای بسیاری از آسیب‌های روانی و اجتماعی فراهم خواهد کرد و در

متأسفانه آسیب‌های تربیتی که از جانب اولیا و مربیان با قصد تربیت و اصلاح رفتار و از روی دلسوزی و محبت به کودکان وارد می‌شود احتمالاً بیش از آسیب‌هایی است که از جانب عوامل ضد تربیتی ایجاد می‌شود.



اصول استفاده می‌کنند یا از روش‌های چندگانه بدون پای بندی به اصول بهره می‌گیرند؟

- سهم عوامل انسانی مدارس در موضوع آسیب‌زایی مدارس چقدر است؟

برای پاسخ‌گویی اجمالی به سؤالات فوق و سؤالات دیگری که قابل طرح‌اند، می‌توان مهم‌ترین عواملی را که محیط مدارس را آسیب‌زا نموده‌اند، به شرح زیر مورد توجه قرار داد:

#### ۱- تأکید بر محصول محوری به جای فرایند محوری:

تولید محصولات بیش‌تر بدون توجه به فرایند تولید در کوتاه مدت خوشایند است، ولی در بلند مدت موجب ایجاد بحران و بلا تکلیفی می‌گردد. به ویژه در دستگاه عظیم آموزش و پرورش، تأکید بر کمیت تولید نیروی انسانی و احیاناً غفلت از کیفیت، خود عواقب جبران‌ناپذیری به دنبال خواهد داشت. تأکید بر افزایش آمار فارغ‌التحصیلان و بالا بردن نرخ‌های مختلف (نرخ ارتقا، نرخ گذر و...) در کوتاه مدت از لحاظ اقتصادی به نفع جامعه است، ولی چنان‌چه تغییرات رفتاری مطلوب و پایدار و نگرش‌ها و عادات‌های صحیح و... در فراگیران ایجاد نشود، در بلند مدت، در بعد نیروی انسانی با مشکلات عدیده‌ای مواجه خواهیم شد.

چهار دیواری محیط‌های آموزشی خود به عوامل آسیب‌زا تبدیل می‌گردند، به طوری که صدای خرد شدن شخصیت دانش‌آموزان در کلاس‌های درس و سایر موقعیت‌های تربیتی به گوش خواهد رسید و در لحظه لحظه فرایندهای آموزشی و پرورشی، شاهد اقدامات ناشیانه معلمان و مربیان و سایر عناصر انسانی مدارس خواهیم بود و این در حالی است که برخی از این روش‌ها نزدیک به یک قرن است که در صحنه آموزش و پرورش امروز جهان مطرود شناخته شده‌اند.

متأسفانه وضع خانواده‌ها نیز بهتر از مدارس نیست و تعارض، ناهماهنگی و ناشیگری در تربیت غوغا می‌کند. خانواده، مکانی است که بخش عمده پرورش شخصیت و تکوین رفتار فرد در آن صورت می‌گیرد.

در اکثر محافل علمی که در خصوص مسئله تعلیم و تربیت بحث و گفت‌وگو می‌شود، مقوله هماهنگی خانه و مدرسه معمولاً یکی از مسائل مطروحه است، در حالی که در داخل این دو مکان تاکنون کم‌تر به موضوع هماهنگی توجه شده است. در بحث آموزش و پرورش کلاسیک و در بعد تربیتی آن این سؤالات مطرح می‌گردد:

- آیا در مدارس، عوامل انسانی در اتخاذ روش‌های تربیتی مطلوب هم سویی قابل قبول دارند؟

- آیا عوامل انسانی مدارس از روش‌های یگانه مبتنی بر

محقق نخواهد شد. جذابیت فضاها می تواند اثربخشی برنامه های آموزشی و فرهنگی را صد چندان سازد.

#### ۷- ضعف در پرداختن به فوق برنامه :

برنامه های درسی مدارس به سبب خسته کننده بودن، اجباری بودن و توجه نکردن به تفاوت های فردی و یکنواخت و فشرده بودن دارای اشکالاتی است. این ضعف ها و کاستی ها تنها به وسیله فعالیت های فوق برنامه قابل جبران است که به علت داوطلبانه بودن، جذاب است و به تفاوت های فردی توجه می کند و دارای تنوع کافی است، در حالی که فوق برنامه نیز به دلیل عدم استفاده از نیروهای انسانی متخصص، ضعف در امکانات و ضعف در برنامه ریزی، اشکالاتی را بر مشکلات برنامه های درسی اضافه می کند. علاوه بر آن تلقی برخی از اولیای مدارس از فوق برنامه به عنوان برنامه های زاید، اضافی و فرعی، توجه به این فعالیت ها را بیش از پیش تحت الشعاع قرار می دهد.



#### ۲- ضعف مربیان در مخاطب شناسی:

چنان چه مربیان با ویژگی ها و خصائص جسمی، روانی، عاطفی، اجتماعی، اخلاقی و شناختی مخاطبان خود آشنا نباشند این امر موجب توسعه روش های غلط برخورد و نهایتاً آسیب زایی می گردد. عدم آشنایی با روان شناسی رشد و روان شناسی تربیتی مشکلات زیادی در مدارس به وجود می آورد که اغلب از جانب مربیان ناشی پدید می آید.

#### ۳- ضعف دانش و تخصص تربیتی:

روش ها و اصول تربیتی وضع کردنی نیستند که بتوان در همه موقعیت ها از الگوهای واحدی استفاده کرد، بلکه باید متناسب با موقعیت های تربیتی بتوان روش درست را کشف و اعمال کرد.

#### ۴- عدم هماهنگی بین نیروهای انسانی:

تحقق اهداف آموزشی و پرورشی نیازمند هماهنگی عوامل انسانی در اتخاذ روش ها و طراحی برنامه هاست. بعضی مواقع اهداف تربیتی فدای کشمکش ها و تعارض ها می گردد و در برخی موارد نیز نیروهای انسانی به طور ناخواسته تأثیر گذاری فعالیت های آموزشی و پرورشی یکدیگر را خنثی می کنند.

#### ۵- عدم استمرار فرایند شکل دهی رفتار:

هرچند امروزه آموزش های فرامدرسه ای توسعه پیدا کرده است، هنوز مدارس، قدرتمندی خود را حفظ نموده اند، ولی در طول مدت آموزش های کلاسیک، استمرار و پیوستگی نظامداری در فرایند تربیت مشاهده نمی گردد و به رغم پیوستگی مطالب کتاب های درسی، فعالیت های پرورشی انسجام کافی ندارند.

#### ۶- مسائل فیزیکی و فضاهای آموزشی:

انجام بهینه فعالیت های آموزشی و پرورشی نیازمند فضاهای مطلوب و متناسب است که بدون آن مقاصد مورد نظر



## ۸- مدارس نامرئی:

مدرسه برای بیش تر انسان‌هایی که در سنین تعلیم و بعد از آن قرار دارند، شناخته شده است و همه از وجود چنین نهادی در سراسر جهان مطلع اند. اما آن چه در این جا قصد تجزیه و تحلیل آن را داریم، مدرسه‌ای است درون مدارس رسمی ما که آن را مدرسه نامرئی نامیده‌ایم. در این مدارس، تعلیم و تربیت جریان دارد و صورت می‌پذیرد، اما دارای خصوصیات و ویژگی‌های آشکار و بارزی نیست که بتوان آن را به سادگی تشخیص داد. در حقیقت، در مدارس نامرئی، فرزندان یک کشور از طریق ارتباط با یکدیگر اطلاعات را دریافت می‌کنند و در جریان تعلیم و تربیت خاصی که به طور معمول برنامه‌ریزی نشده و از پیش تعیین نشده است، قرار می‌گیرند. در صورتی که این مدارس توسط اولیای مدارس شناخته نشوند و خوب هدایت نگردند ممکن است برای کودکان - مخصوصاً نوجوانان - به شدت آسیب‌زا باشند.

## ۹- آموزش‌های فرامدرسه‌ای:

امروزه به علت انفجار دانش<sup>۱</sup> و اهمیتی که خانواده‌ها برای آموزش فرزندان خود قائل اند، آموزش‌های فرامدرسه‌ای به شدت توسعه پیدا کرده است. این آموزش‌ها اگر در جهت آموزش‌های مدرسه‌ای و به عنوان مکمل آن‌ها - یا به صورت مهارت‌های دیگر زندگی - طراحی و اجرا گردند، مفید خواهند بود، اما در بعضی مواقع می‌توانند در روند آموزش‌های مدرسه‌ای اختلال ایجاد کنند و...

در نهایت برای موفقیت در تربیت منابع انسانی - با توجه به این مهم که تربیت امری عمدی و برنامه‌ریزی شده است - باید از وسایل و امکانات، روش‌ها، برنامه‌ها و نیروهای انسانی کارآمد بهره‌مند شد. به رغم این که بخش عظیمی از بودجه کشورها به برنامه‌ریزی و توسعه نظام آموزشی اختصاص پیدا می‌کند، نباید بهره‌وری و کارایی درونی و بیرونی نظام آموزشی - مخصوصاً آموزش و پرورش رسمی - را از نظر دور داشت. از آن جا که موفقیت و کارایی سایر بخش‌های جامعه نیز با آموزش و پرورش رابطه دارد و پایه‌های اساسی رشد اجتماعی، شخصیت، سلوغ درونی، نگرش‌ها، ارزش‌ها، دانش و معرفت افراد جامعه در نظام تعلیم و تربیت رسمی پردازش می‌یابد، این امر توجه جدی - جایگاه مدارس را، در چهارچوب نظام اجتماعی، بیش از پیش برای ما روشن می‌سازد.

## پی‌نوشت‌ها:

۱- علاقه‌مند، علی: جامعه‌شناسی آموزش و پرورش، انتشارات فروردین، ۱۳۶۶، صفحه ۹.

## 2- Functions

۳- منبع شماره یک، صفحه ۲۷.

۴- منظور از مربیان، عوامل انسانی به طور اعم است.

۵- کریمی، عبدالعظیم: هشدارها و نکته‌های تربیتی، انتشارات انجمن اولیا و مربیان، صفحه ۱۱.

۶- زرهانی، سید احمد و تاجیک اسماعیلی، عزیزالله: نگاهی به نقش‌های تربیتی خانه و مدرسه، انتشارات انجمن اولیا و مربیان، ۱۳۷۳، صفحه ۵۲.

## 7- Product Oriented

## 8- Process Oriented

۹- احمدی، علی اصغر: مدرسه نامرئی، انتشارات مدرسه، ۱۳۷۶، صفحه ۵.

## 10- Knowledge Explosion

